

بازتاب تلمیح و تشبیه به حضرت عباس(ع) در اشعار دفاع مقدس

امیدوار مالملی^{۱*}

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایذه، شیراز

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۰۲)

صفحات ۲۷-۴۴

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی بازتاب تلمیح و تشبیه به حضرت عباس(ع) در اشعار دفاع مقدس شعرای معاصر انجام گرفت. روش، کتابخانه‌ای است که به بیان نمونه‌هایی از جلوه‌های ادبی تلمیح و تشبیه نسبت به حضرت عباس(ع) در اشعار دفاع مقدس در موضوعات اعتقاد قلبی به حضرت عباس(ع)، غیرت، جانباز و جانبازی، سقای کربلا، عباس‌های جبهه، جامعه پس از جنگ، خون‌خواهی آب، عنایت حضرت و دشت عباس پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد نگاه مذهبی موجود در ادبیات و اشعار دفاع مقدس، بیانگر شخصیت و عملکرد و جایگاه تاریخی و دینی حضرت عباس(ع) در نزد رزمندگان و شعرا بوده که سبب شده در تلمیح، تشبیه، استعاره و رفتارگرایی‌های موجود در اشعار اشاره مستقیم به شخصیت حضرت عباس(ع) شود. و از طرفی، شباهت و تطابق‌های دفاع مقدس با کربلا و عاشورا و عملکرد افراد حاضر در این واقعه سبب شده که در شعر دفاع مقدس نگاه مستقیم به دلآوری و ایثار حضرت عباس(ع) داشته باشند و شعرا با شبیه‌سازی و بیان نمونه‌هایی از رفتار و عملکرد حضرت عباس(ع) در رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، حجم زیادی از صنایع ادبی و کلامی خود را به تشبیه این دلآوری‌ها به حضرت عباس(ع) و همچنین بازسازی و تلمیح وقایع کربلا، عاشورا و حضرت عباس(ع) و جنگ تحمیلی اختصاص دهند.

کلمات کلیدی: حضرت عباس(ع)، عاشورا، دفاع مقدس، تلمیح، تشبیه.

۱. * نویسنده مسئول: shahidgomnam1392@gmail.com

۱. مقدمه

«ادبیات پایداری به مجموعه آثاری گفته می‌شود که درون‌مایه و موضوع آن با تکیه بر ویژگی ملیت یا دین، انسان‌ها را به دفاع و مبارزه در برابر هر نوع استبداد، تحقیر، بندگی و بردگی ترغیب و تشویق کند و یا صحنه‌های نبرد و تبعات آن را توصیف نماید» (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱) و ادبیات دفاع مقدس که یکی از شاخه‌های آن است «به مجموعه نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که درون‌مایه و موضوع آن‌ها، به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن بازگردد» (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۵). اطلاق واژه مقدس به چنین ادبیاتی بدان جهت است که محوریت موضوعی آن به تعبیر محمدرضا سنگری «مقاومت و دفاع مبتنی بر ارزش‌های دینی و الهی» است. این جریان شعری که از متن ادبیات انقلاب اسلامی سر برآورده، سیر تاریخی خود را از نخستین روزهای وقوع جنگ در سال ۱۳۵۹ آغاز کرده و تاکنون ادامه یافته است. این جریان اگرچه در این سیر زمانی تحولات و فرازوفرودهای بسیاری داشته است؛ اما همچنان در لوای یک جریان ادبی منسجم از دیگر گونه‌های ادبی معاصر متمایز می‌شود.

نخستین سروده‌های دفاع مقدس در قالب نیمایی سروده شد. چراکه این قالب با رهایی از محدودیت قافیه و تساوی مصراع‌ها، مجال بیشتری را برای شعاردادن، برانگیزاندن و طرح مسائل و موضوعات مرتبط با جنگ، در اختیار شاعران قرار می‌داد. در سال‌های بعد قالب‌های دیگری مانند رباعی، دویتی، غزل، قصیده، چهارپاره و مثنوی در کنار نوسروده‌هایی اعم از نیمایی، سپید، طرح و... حضوری چشمگیر یافت و با گذر زمان مضامین حماسی جنگ تحمیلی با استعانت از آموزه‌ها و الگوهای دینی جایگاه خود را در ادبیات فارسی پیدا نمود و پژوهش‌هایی در خصوص آن انجام گرفت (سنگری، ۱۳۹۰: ۸۵). همچنان که نظری و جعفری‌نیا (۱۳۸۹) طی پژوهشی تحت عنوان انعکاس عاشورا، یکی از خصیصه‌های شعر دفاع مقدس را بیان کردند. حادثه عاشورا دارای ابعاد گوناگونی است که حماسه، یکی از برجسته‌ترین ارکان آن را تشکیل می‌دهد.

در طول زمان، شرایط اجتماعی و سیاسی و تاریخی بر چگونگی نگرش شاعران به حادثه عاشورا تأثیرگذار بوده است. وقوع انقلاب اسلامی و به فاصله اندکی از آن، جنگ تحمیلی از جمله عواملی بود که فصلی جدید در تاریخ ادبیات فارسی به نام «شعر انقلاب» گشود که از درون‌مایه‌های اصلی آن می‌توان به «شعر جنگ» اشاره کرد. شعر جنگ سرشار از روح حماسه و دلاوری است و مضامین برگرفته از واقعه عاشورا سهم قابل توجهی در تقویت این روح حماسی دارد. سازش نکردن با ستمگر، ترجیح مرگ با عزت بر زندگی با ذلت، استقامت در راه خدا تا پای جان و... از جمله جلوه‌های حماسی عاشورا است که در شعر دفاع مقدس بازتاب یافته است.

حماسه آفرینی یاران امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) نیز از دیگر مضامین مطرح شده در شعر دفاع مقدس است. با بررسی جلوه‌های حماسی عاشورا در شعر دفاع مقدس و مقایسه آن با شعر پیش از جنگ، می‌توان گفت این نگاه حماسی به واقعه عاشورا با این حجم و گستردگی در ادبیات فارسی بی‌نظیر و یا حداقل کم‌نظیر بوده است. خانلو، طارق سلامات و بیرانوند (۱۳۹۴) طی پژوهشی تحت عنوان «تبلور عاشورا در اشعار شاعران دفاع مقدس» بیان کردند که بلا اساس نامه ایمان، فهرست همه خوبی‌ها و فرهنگ‌نامه معرفت و عشق است و عاشورا زلال‌ترین و شورانگیزترین حماسه تاریخ اسلام، الهام‌بخش همیشه رهروان آزادی و وارستگی است. عاشورا منشأ ادب پایداری، مقاومت، حماسه، جانبازی و ایثار است و حسین بن علی (ع) سمبل مدح و رثای ادب پارسی می‌باشد. هشت سال دفاع مقدس که حرکتی هدفمند و بر مبنای قیام ارزشمند امام حسین (ع) برای معرفی دگربار اسلام بود، بیانگر وفاداری به آرمان‌های اصیل اسلام است. یکی از برجسته‌ترین

ویژگی های شعر دفاع مقدس انعکاس قیام عاشورا است. دفاع مقدس ایران که در راستای قیام حسینی شکل گرفت، با خون هزاران جوان برومند این سرزمین بارور گشت و شاخه های سرسبز آن سایه گستر دل های غم دیده و پریشان شده است.

حادثه عاشورا در طول تاریخ، الهام بخش شاعران بوده است و شاعران دفاع مقدس با توجه به حماسه عاشورا، روح لطیف و درون مایه حساس خود جلوه های این ایثار و ایمان را در آثار و نوشته های خود متجلی می نمایند که مقاله حاضر تحقیقی است پیرامون «تبلور حماسه عاشورا در اشعار شاعران برجسته انقلاب و دفاع مقدس».

یگانه و پناهی (۱۳۹۱) طی پژوهشی تحت عنوان «سیمای جانباز در غزل دفاع مقدس»، تحلیل و بررسی شخصیت پردازی جانباز در غزل را بیان کردند. قالب غزل وسیع ترین عرصه برای بیان ارزش ها، باورها، عواطف و احساسات شاعران دفاع مقدس است که ذیل شاخه کلی غزل معاصر، دوره های تحول را از غزل کلاسیک به نئوکلاسیک و سپس غزل نو پشت سر گذاشته و شاخصه های هر یک را به وضوح در خود آشکار ساخته است. یکی از این شاخصه ها روایت گری در غزل و شخصیت پردازی است. آفرینش شخصیت هایی با هویت تاریخی و اجتماعی مانند رزمنده، شهید، مادر، همسر و فرزند شهید و... که در آثار بسیاری، محور مضمون آفرینی و تصویرسازی بر مدار آن ها چرخیده است.

یکی از این شخصیت ها که با فاصله گرفتن جریان شعر دفاع مقدس از مبدأ خود مورد توجه شاعران قرار گرفت، شخصیت جانباز است. این شخصیت به عنوان یک واقعیت تاریخی و اجتماعی در غزل دفاع مقدس نمود یافت و دست مایه مضمون سازی های بدیع در جریان شعری پس از جنگ شد که با گذر زمان و توجه بیشتر شاعران به پیامدهای اجتماعی جنگ، از حضوری پررنگ تر نسبت به دیگر شخصیت ها برخوردار شد. شخصیت جانباز در غزل با استفاده از دو شیوه غیرمستقیم و التقاطی و چهار حوزه معنایی پردازش می شود:

الف. قرابت نمادین شخصیت جانباز با واقعه و شخصیت های عاشورایی؛

ب. توصیف وضعیت جسمی و روحی جانباز؛

ت. توصیف ابعاد شخصیتی جانباز در تعامل با خانواده و اجتماع؛

ث. استفاده از دایره واژگانی مرتبط با حوزه معنایی جانباز که در این پژوهش نحوه مضمون آفرینی و ویژگی های هر یک از آن ها به تفصیل بیان می شود. لازم به ذکر است که در سال های اخیر، گاهی پرداختن به شخصیت جانباز در شعر، مقدمه ای است برای سرودن اعتراض گونه هایی که بیانگر نگرانی شاعران نسبت به از یاد رفتن آرمان های امام (ره) و شهدا در جامعه است. ادبیات پایداری در ایران، با وقوع جنگ تحمیلی، رنگ و رونق چشمگیری یافت و یکی بود که بخشی از تاریخ ادبیات معاصر ما را تشکیل می داد. شعر جنگ از نتایج آن، پیدایش و مانند بخش های دیگر این حوزه شایسته مطالعه و بررسی است. شعر جنگ، از لحاظ فرم و محتوا دارای ویژگی های مخصوص به خود است که «حضور ابعاد گوناگون فرهنگ عاشورا» یکی از این ویژگی هاست. قیام عاشورا به عنوان الگویی ارزشمند و کامل، از ابتدا پشتوانه فکری انقلاب اسلامی بود. جنگ هشت ساله ایران با عراق، مشابهت های بسیاری با نبرد حق و باطل در کارزار کربلا داشت که این دو حادثه را از جهات متعدد به هم پیوند می زد. همچنان که عرصه های مختلف جنگ، متأثر از حادثه عاشورا بود؛ شعر جنگ نیز از آبخور این فرهنگ غنی سیراب می شد و لحظات ناب شاعرانه ای را برای شاعران این دوره از ادبیات ایران خلق می کرد. از سوی دیگر، ضرورت دفاع از میهن، ایستادگی بر سر آرمان ها، حفاظت از انقلابی نوپا که با هدف احیای اسلام شکل گرفته بود، به همراه مجموعه ای از عوامل دیگر باعث برجسته شدن «ابعاد حماسی عاشورا» شده بود (نظری، ۱۳۸۹:

۶۲). لذا در این پژوهش به بازتاب تلمیح و تشبیه به حضرت عباس(ع) در اشعار دفاع مقدس شعرای معاصر پرداخته شده است.

بیان مسئله

همان گونه که در مقدمه آمده، فراوانی موضوع دفاع مقدس در شعر، تمام جامعه ادبی ایران و مسلمانان را در بر گرفت و شاعران زیادی با بهره گیری از آموزه های دینی به سرودن اشعار انقلابی در هشت سال جنگ تحمیلی پرداختند. پژوهش حاضر بر آن است بازتاب تلمیح و تشبیه به حضرت عباس(ع) در اشعار دفاع مقدس شعرای معاصر را بررسی کند.

۱-۲. پیشینه تحقیق

تاکنون در موضوع بازتاب تلمیح و تشبیه به حضرت عباس(ع) در اشعار دفاع مقدس شعرای معاصر نقد و تحلیل و بررسی متعدد صورت نگرفته است، اما در پی جست و جوی صورت گرفته، سه مقاله یافت شد:

- «بازتاب شخصیت پیامبر(ص) در شعر معاصر فارسی» (بزرگ بیگدلی؛ صادقی). در این مقاله میزان توجه شاعران معاصر فارسی به شخصیت پیامبر(ص) بررسی شد. هدف این جستار بررسی کیفیت این بازتاب ها در مقایسه شعر سنتی و نو بوده است. بررسی ها نشان می دهد شاعران معاصر فارسی شخصیت پیامبر(ص) را در چهار بعد مدحی، حادثه ای، روایتی و تصویری در اشعارشان منعکس کرده اند.

- عنوان «انعکاس عاشورا، یکی از خصیصه های شعر دفاع مقدس» (نظری؛ جعفرنیا). در این مقاله سازش نکردن با ستمگر، ترجیح مرگ با عزت بر زندگی با ذلت، استقامت در راه خدا تا پای جان و... از جمله جلوه های حماسی عاشورا است که در شعر دفاع مقدس بازتاب یافته است. حماسه آفرینی یاران امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) نیز از دیگر مضامین مطرح شده در شعر دفاع مقدس است.

- عنوان «تبلور عاشورا در اشعار شاعران دفاع مقدس» (خانلو؛ اسماعیلی؛ رضایی؛ اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۴). در این مقاله پیرامون تبلور حماسه عاشورا در اشعار شاعران برجسته انقلاب و دفاع مقدس تحقیق شده است تا ماهیت قیام حسینی را مشخص و اثرگذاری عاشورا را در اشعار شاعران و وجوه مشترک عاشورا و دفاع مقدس و تبلور آن را بر اشعار شاعران معاصر با ذکر شواهد بیان کند.

اما بازتاب تلمیح و تشبیه به حضرت عباس(ع) در اشعار دفاع مقدس شعرای معاصر، موضوعی است که تاکنون مورد توجه واقع نشده است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت تحقیق

ما در این پژوهش بر آنیم تا با بررسی بازتاب تلمیح و تشبیه به حضرت عباس(ع) در اشعار دفاع مقدس شعرای معاصر زمینه ای فراهم کنیم تا شاعران حماسی بتوانند از صنایع ادبی و کلامی موجود در سخن و ادب پارسی، در بیان جلوه های ادبی تاریخی دیگر شخصیت های دینی در شعر خویش بهره مند شوند و این پژوهش رهگشای منتقدان و سخن سنجان گردد.

۲. بحث

۲-۱. دفاع مقدس و شعر عاشورایی

با وقوع جنگ تحمیلی، ادبیات پایداری در ایران رنگ و رونق چشمگیری یافت و یکی از نتایج آن، پیدایش شعر جنگ بود که بخش مهمی از تاریخ معاصر ما را تشکیل می‌دهد. شعر جنگ، از لحاظ فرم و محتوا، دارای ویژگی‌های مخصوص به خود است که حضور ابعاد گوناگون فرهنگ عاشورا یکی از این مشخصه‌هاست. جنگ هشت‌ساله ایران با عراق، مشابهت‌های بسیاری با نبرد حق علیه باطل در کارزار کربلا داشت و باعث شد تا این دو حادثه، از جهات متعدد به هم پیوند بخورد. همچنان که عرصه‌های مختلف جنگ متأثر از حادثه عاشورا بود، شعر جنگ نیز از آبخور این فرهنگ غنی سیراب شد و لحظات ناب شاعرانه‌ای را برای شاعران این دوره از ادبیات ایران خلق کرد. از سوی دیگر، ضرورت دفاع از میهن، ایستادگی بر سر آرمان حفاظت از انقلاب نوپا که با هدف احیای اسلام شکل گرفته بود، باعث برجسته‌شدن ابعاد حماسی عاشورا شد (صالحی، ۱۳۹۵: ۱۳۸). حماسه عاشورا که تا پیش از انقلاب، عمدتاً به‌عنوان یک سوگ بزرگ به آن نگریسته می‌شد، در سروده‌های شاعران دفاع مقدس به‌عنوان یک حماسه مطرح شد که این نگاه حماسی به عاشورا، در تاریخچه شعر عاشورایی فصل تازه‌ای گشود. حماسه در شعر دفاع مقدس آمیزه‌ای از شهادت، ایثار، ستم‌ستیزی و آرمان‌خواهی انسانی است و کربلا تبلور تمامی این جلوه‌هاست و شاعر از مضامین عاشورایی و کلمات و ترکیبات عظیم آن همچون ایثار، شهادت، حسین، عباس، شمشیر، علم، خون، مقاومت، تشنگی و... استفاده می‌کند و شکوه حماسه رزمندگان اسلام را با شکوه حماسه آفرینی شهیدان کربلا پیوند می‌زند. شعر جنگ از آنجا که با واقعیتی عینی در خارج مواجه بود، از مضمون و محتوا سرشار از روح حماسی بود. دلاوری‌ها، مقاومت و پایداری و فداکاری رزمندگان و حضور زن و مرد و پیر و جوان در عرصه نبرد از جمله مسائلی بود که به‌سرعت در شعر راه یافت و از آنجا که این جنگ، برای همگان، مصداق کاملی از جنگ حق علیه باطل بود، مضامین اعتقادی و از جمله فرهنگ عاشورا جزء اصلی‌ترین درون‌مایه‌های شعر این دوره گردید. در این نبرد نابرابر که از جهات مختلف به واقعه عاشورا مشابهت داشت، همان تقدس و همان مظلومیت مشاهده می‌شود و دفاع از آرمان و عقیده، آن را به یک دفاع مقدس تبدیل کرده است (صالحی، ۱۳۹۵: ۱۳۹)، به‌گونه‌ای که شاعران در سروده‌های خویش با استعانت از شخصیت‌های عاشورایی خلق هنر کرده‌اند. بسیاری از وقایع و رخدادها را به کربلا و عاشورا و شخصیت‌های حاضر در آن تشبیه کرده‌اند و همچنین تلمیح فراوانی در اشعار این شعرا نسبت به واقعه کربلا و روز عاشورای سال ۶۱ق وجود دارد و در اینجا به بازتاب تلمیح و تشبیه به حضرت عباس(ع) در اشعار دفاع مقدس شعرای معاصر اشاره شده است.

۲-۱-۲. حضرت ابوالفضل العباس(ع)

حضرت عباس(ع) بزرگ‌ترین اولاد ام‌البنین است که دارای مقام بسیار رفیعی از فضل و دانش و اطاعت و عبادت بود و به حضرت حسین(ع) و زینب(س) خیلی علاقه داشت و از زمان کودکی وظیفه خود را شناخت. او بعد از حسین(ع) اشرف و اعظم اولاد علی(ع) بود و در روز عاشورا همین که صدای هل من ناصر برادر را شنید، به یاری برادر شتافت. ایشان متولد بین سال‌های ۲۴ تا ۲۶ است. صاحب منتهی‌الارب می‌گوید: اینکه عباس را به صیغه مبالغه گفتند، برای شدت شجاعت و صولت او بود و عباس به معنای شیر بیشه هم هست؛ از این رو اکثر در میدان او را به شیر غضبناک تعبیر کرده‌اند. عباس به فتح و تشدید ثانی به معنی شیر درنده است و نام عمومی پیغمبر و فرزند حضرت علی(ع) بوده، از زنی به نام ام‌البنین که بعد

از وفات حضرت زهرا(س) به نکاح آورده است و چون عباس(ع) شجاع و مانند شیر غضبناک در جنگ‌ها حمله می‌کرد او را عباس می‌گفتند. ابوالفضل به این جهت گویند که او را پسری بوده فضل نام، دارای کمالات صوری و معنوی و یا ابالقربه به این جهت گویند که از کودکی سقایی می‌کرده. یکی دیگر از القاب ایشان قمر بنی‌هاشم است، چون صورتش مانند ماه درخشان و وجیه المنظر بوده است (صفی‌پوری شیرازی، ۱۳۹۳).

- علم‌داری: در بین منصب‌هایی که برای حضرت عباس(ع) می‌نویسند، یکی علم‌داری است و این وظیفه اجتماعی، سیاسی و جنگی در صدر اسلام دارای اهمیتی بسزا بوده است. در جنگ‌های اعراب که جنگ تن‌به‌تن بوده، پرچم و علم دست شجاع‌ترین و دلیرترین مردان داده می‌شد که در حراست و حفاظت آن پافشاری تواند کرد؛ چه فتح و ظفر تا زمانی برقرار بوده که علم بلند و در اهتزاز باشد.

- سقایی: یکی دیگر از مناصب حضرت عباس(ع) منصب مهم آبداری است که امام و پیشوای بزرگ این لباس را به قامت رسای عباس(ع) پوشانید.

- غیرت: یکی از صفات حضرت عباس(ع) غیرت ایشان بود، به حدی که نمی‌توانستند ناملامی را تحمل نمایند. در تمامی طول مسافرت به فرمان حضرت حسین(ع) ایشان مراقب سوار کردن و پیاده کردن بانوان بودند. تا عباس(ع) بود، لشکر بنی‌امیه جرئت توجه به خیمه‌ها را نداشت.

- ادب: از صفات دیگر حضرت ادب ایشان بود و در ادب او همین بس که هیچ‌گاه برادرش حضرت حسین(ع) را برادر خطاب نکرد، مگر در آخرین نفس حیات (حسینی، ۱۳۷۰).

از مجموع کتب چنین استنباط می‌شود که در روز عاشورا، حضرت عباس(ع) دومرتبه به شریعه فرات وارد شد. یکی صبح عاشورا بود که اصحاب به شکایت نزد امام حسین(ع) آمدند و آب خواستند. امام عباس(ع) را خواست. فرمود با اصحاب چاهی حفر کنید، شاید آبی پیدا شود؛ اما بی‌فایده بود. حضرت فرمود به شریعه بروید که عباس(ع) به کمک نافع بن هلال با پنجاه نفر به طرف شریعه رفتند، اما موفق به آوردن آب نشدند. یک مرتبه دیگر بعد از ظهر بود که دیگر غیر از عباس(ع) و امام حسین(ع) و اصحاب زنده نبودند که صدای العطش العطش اطفال عباس(ع) را بر خود لرزاند و از این رو مشک آب گرفت و به میدان رفت. عباس(ع) رو به شریعه رفت و یک مشک آب به دوش داشت که بیرون آمد؛ ولی تیرباران دشمن که مانند ابر اجل خیمه بر سر عباس(ع) زد، باعث شد مشک سوراخ شود. از روز هفتم تا دهم محرم به عباس(ع) خیلی سخت گذشت که نمی‌توانست سقا باشد و آب تهیه کند. این مصیبت گلوی عباس(ع) را می‌فشرد که عباس(ع) سقا باشد و اطفال خردسال حسین(ع) تشنه کام (حسینی، ۱۳۷۰).

حضرت عباس(ع) به‌خاطر جانبازی و شهادت‌طلبی‌اش، وفاداری و شجاعتش و همه صفات نیکویش مورد توجه تمامی رزمندگان اسلام در طول هشت سال دفاع مقدس بوده و این موضوع بعینه در اشعار شعرای دوران دفاع مقدس ملموس و مشهود است که عنایت همگان را می‌طلبد و در اینجا نمونه‌های بررسی شده بیان می‌گردد.

۱-۲-۱. اعتقاد قلبی به حضرت عباس(ع)

کتایون یحیی‌زاده از زبان رزمنده‌ای، عشق به حضرت عباس(ع) در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و استفاده از رمز «یا ابوالفضل» در عملیات‌های مهم و حساس را این‌گونه وصف می‌کند:

درد بی اندازه دارد بندبند استخوانم
در سرم پیچیده هر دم رمزهای یا ابوالفضل
مانده سوز سرد آتش در زمستان توی جانم
زوزه‌های توپ و آتش بر سر هم‌سنگرانم
(محمدی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۲۶)

خداداد نورایی اراکی اشاره می کند به جلوه دیگری از عشق به حضرت عباس(ع) در میان رزمندگان اسلام:

سلیمانی عباس آن پاک دین
که بودش ابوالفضل نقش جبین
(باقری، ۱۳۸۴: ۷۶)

هادی منوری اشاره می کند به شهیدی که نام حضرت عباس(ع) را بر روی پلاک شناسایی خود حک کرده است:

پلاک سربانی را / نشانم می دهی / یا ابوالفضل / این تنها اسمی است که خوب می شناسی (قزوه، ۱۳۸۴: ۲۷۱).

مهدی قاسمی از زبان مادر شهید مفقودالثری عشق فرزندش به حضرت عباس(ع) را این گونه توصیف می کند:

پسرم در راه کربلا گم شد
اسمش عبدالحسین است و عاشق ابوالفضل (همان: ۲۳۳)

احد ده بزرگی سخن از شهیدی می گوید که عشق به حضرت عباس(ع) همه وجود او را فرا گرفته بود و عشق به مولا دلش را نورانی ساخته و عباس وار خود را سرباز دلاور امام حسین(ع) می دانسته است:

نه تنها او به لب ذکر جلی داشت
شهادت عبدالرضا ذاکر به مقتل
دلی از نور مولا منجلی داشت
خروش از عشق عباس علی داشت
(همان: ۶۴)

غلامرضا امام علیزاده (امامی) نقش بستن نام حضرت عباس(ع) بر روی پرچم‌ها را نشان از اعتقاد رزمندگان اسلام به این شخصیت بزرگ می داند و این گونه می سراید:

آدمیت در کنار یاس بود
نقش پرچم‌ها فقط عباس بود
(صدر محمدی، ۱۳۸۵: ۵۶)

یا شیرینعلی گلمرادی در اشعار خود علت بستن نام حضرت عباس(ع) بر بازوان را این می داند که رزمندگان اسلام اعتقاد به این داشتند که در این صورت مورد عنایت حضرت قرار خواهند گرفت و حضرت آن‌ها را یاری خواهد کرد:

بر سر بازه خود نام ابوالفضل علی
بر امداد از آن گرد دلاور زده‌اند
(بی‌نام، ۱۳۷۱: ۱۳۷)

مرضیه رستمی نقش بستن یاد و خاطره حضرت عباس(ع) در ذهن رزمندگان را این گونه وصف می کند:

امشب بتازان مرکب آماده‌ات را
عیبی ندارد اهل خارستان نفهمد
تهدا دل با زخم خنجر داده‌ات را
درد قلندرهای دریازاده‌ات را
آماده کن خونین ترین سجده‌ات را
در خلسه‌گاه سجده‌ات با یاد عباس
(۱۳۷۷: ۹۳)

۲-۱-۲-۲. غیرت عباس(ع)

احد ده بزرگی به بررسی و تشبیه یکی دیگر از ابعاد شخصیتی حضرت عباس(ع) می پردازد و شهید عباس کشاورز را به خاطر غیرت و جوانمردی و مهر و عطوفتی که به زیردستان خود داشته، از نسل حضرت عباس(ع) می داند. واژه عباس در

شعر این شاعر علاوه بر اشاره به حضرت عباس(ع) ایهامی هم به نام شهید عباس کشاورز دارد:

تو یک دنیا دل و احساس بودی
میان فصل صحرا سوز پاییز

ز نسل غیرت و عباس بودی
کشاورز بهار و یاس بودی

(۱۸:۱۳۷۸) (۵۵ بزرگی، ۱۳۷۸: ۱۸)

شیرینعلی گلمرادی غیرت و مردانگی رزمندگان اسلام را که همچون حضرت عباس(ع) در عملیات خشکی و دریا شرکت می کردند و از میهن اسلامی و دین و قرآن پاسداری می کردند، این گونه به تصویر می کشد:

این طرف، تکرار عاشورا است خون و تشنگی
این طرف ایمان تلاوت می کند لب های تیغ

غیرت عباس دارد آن که بر دریا زده است
التهاب است، آفتاب است و جنون تشنگی

شور میدان دارد این سو، سروهای بی دریغ
آسمان را پاس دارد آن که بر دریا زده است

(۱۱۷:۱۳۷۷) (۱۱۷:۱۳۷۷)

۳-۲-۱. جانباز و جانبازی

محمد قدسی جانبازان را دلاورمردانی می داند که در طول هشت سال دفاع مقدس لرزه بر تن دشمن غدار افکندند و شرق و غرب را به وحشت انداختند. آری، دلاورمردانی که فقط به عشق حضرت عباس(ع) بزرگ جانباز عرصه پیکار زنده اند و افتخار می کنند رهبر بزرگ جامعه اسلامی ایران، حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله العالی، خود جانبازی است که علاوه بر حضور مستمر در جبهه های حق علیه باطل، در راه دفاع از ارزش های انقلاب اسلامی به لقب جانباز مفتخر گشته اند:

بلی که در دل طاغوت شرقی و غربی
شرف گرفته ز مولای ساقیان عباس

به جان مرا چه خوش این مصرع بلند نشست
فکنده دلهره و اضطراب جانباز است

که این دلاور عرشی جناب جانباز است
بزرگ رهبر این انقلاب، جانباز است

(۱۹۴:۱۳۷۵) (۱۹۴:۱۳۷۵)

نادر طهماسبی (فرید) از زبان جانبازی که در حریم عشق بازی و در پرتو لطف و رحمت الهی دست و پایش را به اسلام عزیز تقدیم نموده است، این گونه سخن می گوید که: این عشق بازی را از علم دار رشید کربلا حضرت عباس(ع) آموختم که الگو و اسوه همه انسان های جوانمرد بوده است:

ارمغانی بود ناقابل به اسلام عزیز
از علم دار رشید عاشقان آموختم

آنچه مشتاقانه در راه خدا گم کرده ام
دست و پای گر به عشق کربلا گم کرده ام

(۵۲:۱۳۸۵) (۵۲:۱۳۸۵)

منیژه هاشمی اشاره می کند به رزمندگانی که با خلوص نیت دست از نیاز و لذت های خود برداشتند و همچون حضرت عباس(ع) همه اندیشه شان رضایت خدا و حفظ حدود و ثغور مرزهای اسلام و ارزش های الهی بود و همان گونه که حضرت عباس(ع) یک تنه برای حفظ و حراست از خیمه های اهل بیت امام حسین(ع) و فراهم کردن آب برای تشنگان کربلا جان فشانی کرد، آن ها نیز پیرو مولایشان مأموریت های حساس و مهمی را پذیرا شدند و در این راه جان به جان آفرین تسلیم کردند:

دست از خود و از نیاز و از نوش کشید
او یک تنه در نهایت جانبازی

عباس غمی بزرگ بر دوش کشید
جنگید و بهشت را در آغوش کشید

(۱۸۹:۱۳۷۷) (۱۸۹:۱۳۷۷)

مریم تیکنی اشاره می کند به بازگشت آزاده جانبازی که همچون حضرت عباس(ع) دستان خود را در راه ایمانش تقدیم

کرده است و این گونه می‌سراید:

مشتاق عطر خوب یوسف بر بام آسمان نشستند / یعقوب‌های دل شکسته فوج کبوتران خسته / با دست و شانه
بریده در من کسی با درد می‌گفت / آمد میان اشک مادرعباس را کردند پرپر (فقط همین، ۱۳۸۵: ۱۰)

خلیل شفیعی خطابش به آزادگان سرافراز هشت سال دفاع مقدس است که پس از مبارزه با دشمن جنایت‌کار به اسارت دشمنان اسلام درآمدند و پس از سال‌ها رنج و مشقت هنگامی که جنگ با پیروزی پایان یافت، به زیارت حرم امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع) رفتند و عقده دل گشادند و میثاق جاودانی بستند:

دست تو با دست ابوالفضل آشنا شد / روح تو هم‌رنگ دل خون خدا شد
(۱۳۷۵: ۱۲۲)

نادر بختیاری با وجود آنکه آغازکننده شیوه‌ی جانبازی را امام حسین(ع) می‌داند، ولی به دلیل رشادت‌ها و ایثارهایی که حضرت عباس(ع) در صحرای کربلا از خود نشان دادند، ایشان را نماد جانباز می‌داند:

شیوه‌ی جانبازی از حسین شد آغاز / وز بدر و خندق و حنین شد آغاز
نسبت جانباز می‌رسد به ابوالفضل / سرخط این راز می‌رسد به ابوالفضل
(۱۳۷۵: ۳۵)

همو در وصف یکی از سرداران سپاه انقلاب اسلامی ایران که به دلیل رشادت‌های بی‌نظیر و مردانگی و غیرتی که از خود نشان داد و خود را وقف جبهه‌های جنگ با دشمن نمود، این چنین می‌گوید: او کسی نیست جز سردار شهید حسین خرازی که با ویژگی‌های شباهت‌هایی با سپهسالار کربلا حضرت عباس(ع) داشت، زیرا به عنوان فرمانده لشکر امام حسین(ع) در جبهه‌ها انجام وظیفه می‌کرد و پس از چندین بار جراحی و مصدومیت و قطع دست بالاخره به آرزوی خود که شهادت در راه خدا و در طریق مولایش حسین(ع) بود، دست یافت و موجب افتخار و عزت سپاه اسلام شد:

و خرازی انگار عباس بود / که شد قطع دستش به میدان رزم
شبی نیز سوی خدا پر کشید / شد این‌گونه جاوید آن کوه عزم
(۱۳۷۵: ۴۸ و ۴۹)

اصغر حاج حیدری (خاسته) هم در وصف شهید خرازی این گونه می‌سراید:

علم‌دار سپاه عشق را نازم که با همت / کند بی‌دست در میدان مردی رایت‌افرازی
بنازم پاسداری را که با شور ابوالفضلی / کند ایثار دست و جان و سر مانند خرازی
(۱۳۸۵: ۱۵)

محمدعلی صاعد شهید حسین خرازی را که در دوران دفاع مقدس فرمانده لشکر امام حسین(ع) بوده‌اند، عباس دلیر روزگار معرفی کرده و این گونه می‌سراید:

تو میر لشکر گرد حسینی / تو تیغ و بازوی پیر خمینی
تو سرداری بزرگ و نامداری / تو عباس دلیر روزگاری
که چون دست ستم یک دست انداخت / علم را آن دگر دست تو افراخت
(۱۳۷۵: ۱۶۶)

غلامرضا رحمدل شهدای جبهه‌های جنگ هشت سال دفاع مقدس را به ورق‌های قرآن تشبیه کرده است؛ آن‌هم شهیدانی که به عشق حضرت عباس(ع) قدم در این راه گذاشته بودند. شهیدانی از خطه جنوب خوزستان که به یاد لب تشنه سردار کربلا آب نوشیدند و در دفاع از دین و قرآن و میهنشان پیکر مطهرشان قطعه‌قطعه شد و یا همچون حضرت ابوالفضل(ع)،

با دستانی قطع شده به آغوش خانواده ملت بازگشتند:

باز از جبهه حق نعش شهید آوردند
چاوشان حرم از علقمه خوزستان
آن که با یاد لب تشنه سردار سحر
ورقی چند ز قرآن مجید آوردند
جسم بی دست ابوالفضل رشید آوردند
آب بر آب فشاند و نجشید آوردند
(۹۲:۱۳۸۶)

علیرضا اطلاقیه اشاره می کند به این موضوع که همان گونه که در نهضت عاشورا حضرت عباس(ع) یک تنه برای حفاظت و حراست از خیمه های اهل بیت امام حسین(ع) و فراهم آوردن آب برای تشنگان کربلا جان فشانی کردند، جبهه های جنگ هم از چنین افرادی برخوردار بودند. رزمندگانی که پیرو مولایشان یک تنه مأموریت های حساس و مهمی را پذیرا بودند و سرداران و فرماندهانی چون شهید آوینی که الگو و سرمشقشان حضرت عباس(ع) بوده و عباس گونه هم شهید شدند:

عباس گشته اید که از دست بگذرید!
«آوینی» آمدید که پا را عوض کنید
(قزو، ۵۵، ۱۳۸۴: ۴۶)

رزیتا نعمتی با اشاره به شهادت یاران امام حسین(ع) در کربلا به خصوص شهادت برادرش حضرت عباس(ع) و فرزندانش اذعان می دارد که رزمندگان اسلام با تأثیر گرفتن از این روایات و این گونه شهادت طلبی یاران و اصحاب امام حسین(ع) قدم به جبهه ها گذاشتند و همیشه مصائب کربلا را در نظر داشتند و سخت ترین شرایط جبهه را به عشق امام حسین(ع) و برادرش عباس(ع) با جان و دل خریدند و نهایت فداکاری و جانبازی را از خود نشان دادند:

انداخت بالا قرص ماه و آب، رویش
باید بخوابد زود اما وای از این
هی رد شد و نگذاشت چشمانش بخوابد
بغضی خنک شد لای اعصاب گلویش
این پرده های سینمای روبه رویش!
رقص علی اصغر و دست عمویش
(اسرافیلی، ۱۳۸۵: ۲۸۸)

احد ده بزرگی از رزمنده های سخن می گوید که ارادت خاصی به حضرت عباس(ع) دارد و در راه امام حسین(ع) و برای نابودی ظلم و بیداد جان فشانی کرده و همچون حضرت عباس(ع) به درجه جانبازی نائل شده و عباس وار به شهادت رسیده است:

من آن خورشیدخوی حق پرستم
به عشق حضرت عباس، بی دست
که پشت دیو ظلمت را شکستم
به سمت شهر خونین بار بستم
(ده بزرگی، ۱۳۷۸: ۶۲)

ذبیح الله ذبیحی از شهیدی سخن می گوید که در راه دفاع از وطن اعضای بدن خود را تقدیم کرده و همه این ها را نذر حضرت ابوالفضل(ع) کرده است:

بال در بال فراوان کبوترها، رفت
جز دل و دیده و دستی که ندیدیم کجاست
مرغ من، سوخته باز آمد و پر هیچ نداشت
تا کند نذر ابوالفضل دگر هیچ نداشت
(ذبیحی، ۱۳۸۲: ۱۶)

علی محمد مؤدب اشاره می کند به رهبری سید حسن نصرالله و این گونه می سراید که گویی خداوند فرصتی برای شیعیان ایجاد کرده و دست های حضرت عباس(ع) را به یاری دست های این سید و الامقام فرستاده است تا انتقام شهدای اسلام را از دشمنان ظالم و غاصب بگیرد و وحدت و عزت مسلمین را به آنان برگرداند:

خداوند به ما و قاتلان حسین فرصتی دوباره داد/ دست‌های بریده‌ی عباس را از شریعه گرفت/ و بر شانه‌های تو به یاری ما فرستاد/ تو را نصرالله می‌نامیم (اسرافیلی، ۱۳۸۵: ۳۹۶).

۴-۲-۱-۲. سقای کربلا

حضرت عباس(ع) مظهر شجاعت، مردانگی و غیرت است و کسی است که مأموریت یافته از جان حسین(ع) و خاندانش مراقبت کند. حسین چارلنگک دلجو رزمندگان اسلام را صلا داده و حضور آنان برای مبارزه با دشمن را گوشزد می‌کند و تأکید می‌نماید که کار نیمه‌تمام حضرت عباس(ع) را کامل کنند و خود را به جبهه‌های جنگ برسانند و به پاس حرمت سقای کربلا سری به دجله و فرات بزنند و با نبرد با دشمن یادی از تشنگان کربلا نمایند و دشمن غدار را مغلوب نمایند:

سراب خدعه دشمن به پاست، ابر سخی
کرم نما و خیال سراب را پر کن
به پاس حرمت سقای کربلا ای مرد
برو به دجله، برو مشک آب را پر کن
(۱۳۷۳: ۶۹)

منصوره عرب برهنگی اشاره می‌کند به رزمندگان اسلام و آن‌ها را از نسلی می‌داند که پایبند به عهد و پیمان خود با حضرت حق بوده و پشت پا به دنیا و تعلقات آن زده‌اند؛ همچون منصور حلاج که برای خود وجودی قائل نبود و تنها خدا را می‌دید. او این چنین ادامه می‌دهد که جبهه‌های ما هم پر بوده از چنین مردانی که با ایمان جان خود را در طبق اخلاص نهاده و عباس‌گونه از دین اسلام دفاع کردند و حتی اگر قطعه‌قطعه شدند، دست از یاری دین خدا بر نمی‌داشتند و عاشقانه جان‌فشانی می‌کردند:

در سایه‌های قافله ماندیم یاران به آفتاب رسیدند / در این کویر خشک عطشناک مردان ما به آب رسیدند /
آن سوی این ولایت خاکی آنجا که جاده‌های قنوت است / بوی پر فرشته می‌آید آنجا زمینش از ملکوت
است / مردان یاس و آیینه و شمشیر آسوده از اسارت زنجیرند / هر شب هزار پنجره هر شب هزار مأذنه
تکبیر / مردان جبهه مست‌الست‌اند مردان جبهه باده‌پرست‌اند / حلاج‌ها دار به دوش‌اند عباس‌ها مشک‌بر
دست‌اند. (۱۳۷۵: ۱۹۰)

اسماعیل محمدپور از داستان حضرت عباس(ع) و سقایی او و آوردن آب از فرات برای اهل بیت امام حسین(ع) سخن می‌گوید که وقتی به یاد می‌آید، دل‌های عاشق و شیفته را به درد می‌آورد و جان‌فشانی و فداکاری عباس(ع) و نهایت پستی و دون‌مایگی دشمن را نشان می‌دهد. این مسئله زمانی بیشتر نمود می‌یابد که انسان در کنار رودی به آب‌های زلال خیره شود و یادی از عباس علم‌دار کربلا و مشک‌پاره‌پاره‌اش می‌کند:

به سپیده‌رود خیره شد و زیر لب گفت: خدایا عباس چگونه با موج‌های کارون کنار آمد؟ پس مشک‌پاره‌اش را به یاد آورد و عباس را که رفته بود آب بیاورد (زریان، ۱۳۸۶: ۲۰۲).

مریم گودینی اشاره می‌کند به سرزمین گرم و خشک کربلای خوزستان که گرفتار آتش جنگ و خون‌گردیده است و می‌گوید: اگرچه این مکان کربلا نیست؛ اما گرمای سوزان و عطش بهانه‌ی عباس(ع)، سقای دشت کربلا را می‌گیرد. و منتظر است تا قمقمه‌آبی از ارونند پر شود و عطش تشنگان دشت خوزستان را فرونشاند:

نخل و نگاه تشنه‌ی ارونند به امید سیرابی قمقمه، اینجا کربلا نیست! اما عطش بهانه‌ی عباس(ع) را می‌گیرد
(عظیمی، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

خلیل عمرانی به یاد دشت کربلا و سقای کربلا حضرت عباس(ع) که در راه آوردن آب دستانش قطع شد و به شهادت

رسید، چنین می‌سراید:

فدای دست اقبانوسی سقای طفلانت
که شد موج شجاعت بر لب عصیانی دریا
(دریانورد، ۱۳۸۵: ۱۵۹)

فروغ تنگاب جهرمی حماسه‌رزمندگان اسلام در کربلای ایران را بسیار شبیه کربلای امام حسین(ع) می‌داند. آن هنگامی که سپاهیان اسلام برای انجام عملیات بایستی از میدان مین عبور کنند و در شرایط بسیار سخت و حساس، دشمن را نابود سازند، دلاورمردانی را می‌بینیم که برای بازکردن مسیر، شجاعانه، از روی مین می‌گذرند تا دوستانشان عبور کنند و خود به فیض شهادت می‌رسند و زمین را ستاره‌باران می‌کنند. فداکاری‌های اینان همچون فداکاری حضرت عباس(ع) است که به‌عنوان نگهبان خیمه‌ها و برای آوردن آب مشک را به دوش می‌گیرد و به‌سوی سپاه دشمن می‌رود، اما ناگهان محاصره می‌شود و دشمن دستانش را قطع می‌کند و مشکش را سوراخ و امیدش ناامید می‌گردد:

فریاد آب آب، جهان را گرفته بود
این سو کسی تفنگ به دوش عقیده داشت
ناگاه دست ماه به دست زمین رسید
سردار خیمه‌ها نفسی بر زمین نشست
مردی به شوق مشک در آن سو به زین نشست
مردی پر از ستاره شد و روی مین نشست
(اسرافیلی، ۱۳۸۵: ۷۶)

۵-۲-۱-۲. جامعه پس از جنگ

غلامرضا امام‌علیزاده (امامی) از زبان رزمنده‌ای بازمانده از کاروان لاله‌های سرزمین عشق و به یاد جبهه‌های جنگ و خاطرات خوش لحظه‌های عشق و ایمان و رازونیز با خدا همراه با دوستان شهیدش سخن می‌گوید و افسوس می‌خورد که با تمام شدن آن دوران، گویا عشق هم از وجود ما رخت بریست و از آن لحظات عرفانی و الهی فاصله گرفته و به مادیات دل‌بسته شدیم. دیگر چشمانمان در غم فراق دوستان گریان نمی‌شود و گویی شهیدان و دوستانی که به عشق عباس(ع)، علم دار کربلا، جان‌فشانی کردند به فراموشی سپردیم و آن عشق الهی را بعد از گذشت سال‌های دفاع مقدس به زیر خاک دفن کردیم:

روزهای عاشقی از یاد رفت
استخوان ماندگان پوسید و ریخت
فکر نان شد عاقبت اندوهمان
نان و عنوان شد غم ما بعد جنگ
نام عباس از علم‌ها پاک شد
خاطرات بچه‌ها بر باد رفت
عشق از دل‌هایمان دیگر گریخت
باز ما ماندیم و زندان زمان
خسته شد از دست ما حتی تفنگ
عشق بعد از جبهه زیر خاک شد
(صدر محمدی، ۱۳۸۵: ۶۳)

ظہیر اشاره می‌کند به اینکه رزمندگان اسلام که در جبهه‌های حق علیه باطل برای کشورشان می‌جنگند، خود را وارث حضرت عباس(ع) می‌دانند و در کربلای کشور ایران از جان و دل جان‌فشانی می‌کنند:

در جبهه نبرد حقیقت علیه کفر
در کربلای کشور ایران ز جان و دل
می‌جنگم از برای رهاکرد کشورم
از جان گذشته وارث عباس و اکبرم
(رستم‌پور، ۱۳۸۵: ۱۴۲)

۶-۲-۱-۲. عباس‌های جبهه

اسماعیل سکاکی اشاره می‌کند به جمع شهیدانی که عباس‌وار در حریم عشق ولایت پروانه‌وار خود را به آتش زدند و

جانفشانی کردند تا رضای دوست را فراهم سازند و دیگر دوستانی که ماندند و داغ لاله‌ها را تحمل کردند و در سوگ هم‌زمان خود اشک حسرت بر دامن فشاندند و با دیدگان حسرت‌بار خود آن‌ها را تا ملکوت اعلیٰ بدرقه کردند:

فردا شد و سهم تو آغوش و گل و لبخند
عباس‌های خفته آن سو در حریم عشق
سهم من از این اتفاق سرخ، پلکی اشک
من ماندم این سو، با نگاه تشنه صد مشک
(۱۳۸۲: ۶۶)

خلیل شفیعی به توصیف جنگ نابرابری که در سرتاسر جبهه‌های غرب ایران برپا بود و دشمن بی‌رحمانه مردم بی‌دفاع شهرها را موشک‌باران می‌کرد و به آتش و خون می‌کشید، پرداخته است. او به توصیف رزمندگان که مظلومانه به شهادت رسیدند و تنها خون نام‌هایی از خود به یادگار گذاشته می‌پردازد؛ خون‌نامه‌هایی که چشم‌ها را خیره می‌کند. او به توصیف رزمندگان می‌پردازد که دیروز عباس‌گونه جانبازی کردند و با شهادتشان غوغایی عاشورایی به پا ساختند، اما امروز تنها از آن صحنه‌های جنگ تصویری در قاب‌ها مانده است:

با من بگو رزمنده! مظلومیتت را
گامی به راه درد گو در پرده عشق
دل می‌سراید سرخ‌تر، یا خون و آتش!
تا شور سازد اشک‌ها را خون و آتش
در چشم‌هایم کرده غوغا خون و آتش
(۱۳۷۵: ۸۱)

شیرینعلی گلمرادی صحنه‌های جنگ دفاع مقدس را کربلایی دیگر تصور کرده که در روبه‌رو دشمنانی همچون شمیران بی‌حیا از نسل قومی سگ‌پرست قرار گرفته‌اند که در نهایت کینه و دشمنی به سر می‌برند و آماده‌اند تا در این سوی بر روی رزمندگان چون حضرت عباس(ع) شمشیر بکشند و آن‌ها را به شهادت برسانند:

پیش رو یک قوم سرکش از تبار خویش پست
پیش رو تلی از آتش، سیم‌های خاردار
شمیران بی‌حیا، از نسل قومی سگ‌پرست
پیش رو انبوه نفرت، کینه‌های ریشه‌دار
سرخوش‌اند و تیغ بر عباس و اکبر می‌کشند
(۱۳۷۷: ۱۱۶)

یارمحمد عبدی ظهر عاشورای صحرای کربلا را که یاران و اصحاب امام حسین(ع) یکی‌یکی بر زمین افتاده بودند و به شهادت رسیده بودند، در ذهن دارد که دیگر حسین(ع) تنها شده است. و اینک جبهه‌های نبرد حق علیه باطل که گویی تکرار همان صحنه‌هاست و شهادت عباس‌ها که یکی‌یکی در خاک و خون غلتیده‌اند و بدین طریق دشمن نابکار را رسوا کرده و خود به افتخار شهادت نائل گشته‌اند:

هدف پرنده بود اما به گردنم افتاد
سپس شکوه جاری شد شبیه آن ظهری
گناه آن همه گیلای‌های خون‌آلود
که خون چکید از عباس‌های خون‌آلود
(رستم‌پور، ۱۳۸۵: ۷۰)

۲-۱-۲-۷. خون‌خواهی آب

ابوالقاسم حسینجانی در اشعار خود قصد توصیف جنگ و دلآوری‌های رزمندگان جان‌برکف را دارد و همچنین تهییج سپاه اسلام به سوی دشمن نابکار تا به پیروی از سرور و سالار آزادگان جهان حضرت حسین بن علی(ع) و به همراهی حضرت عباس(ع) که دستانش را در راه آوردن آب برای اهل بیت و سپاه امام حسین(ع) از دست داد، جنگ را به سرانجام برسانند؛ آن‌هم آبی که مهریه حضرت زهراست:

عرش، زیر قدم ماست بیا تا برویم
آتش معرکه برپاست بیا تا برویم
(زریان، ۱۳۸۶: ۵۹)

از سراسیمی تردید اگر برگردیم
دست عباس به خون خواهی آب آمده است

۸-۲-۱-۲. عنایت حضرت عباس(ع)

سودابه مهیجی اشاره می کند به این موضوع که رزمندگان اسلام در همه حالات به حضرت عباس(ع) توسل داشته اند و به عنوان امداد غیبی او را در کنار خود حس کرده و احساس می کرده اند که دستان آن حضرت سایه سر آنان خواهد بود. زیرا آنان جانباز جبهه های خونین کربلای ایران بودند:

و دست های ابا الفضل سایه سار من است
و کربلای جدیدی نشانتان دادم
(قزو، ۱۳۸۴: ۲۸۳)

همیشه مهدی موعود در کنار من است
خدا قبول کند این که تشنه جان دادم

۹-۲-۱-۲. دشت عباس

پرویز بیگی حبیب آبادی حضور رزمندگان فداکار و جانباز که در سرتاسر جبهه های جنگ از میهن اسلامی دفاع می کردند، قابل تصور برای دشمن نمی دانسته؛ آن هم با رشادت های مثال زدنی که عباس گونه در دشت خوزستان جان فشانی می کردند و همانند مولایشان با جدیت و تلاش به نگرهبانی و حمایت از منطقه می پرداختند و اجازه نمی دادند ذره ای از خاک میهن اسلامی در دست دشمن بیفتد. همان گونه که حضرت عباس(ع) تا زنده بودند، اجازه ندادند هیچ کس به خیمه های اهل بیت امام حسین(ع) تعدی و تجاوز نماید و این آدرس آزادگی و غیرت بود برای رزمندگان اسلام که تا جان در بدن دارند، سرافرازانه از خاک وطن و ناموس اسلام دفاع کنند:

به هورالهیویزه به هورالعظیم
که بی دست هم، خیمه را پاس داشت
(۱۳۷۷: ۵۸)

الهی به آوازه این حریم
به دشتی که پیوسته عباس داشت

احد ده بزرگی با به کاربردن واژه دشت عباس، علاوه بر اینکه اشاره می کند به منطقه ای در خوزستان که به همین نام بوده است، گریزی هم می زند به حضرت عباس(ع) و واقعه عاشورا:

حمید عارفی عشقی یقینی
گل روییده در دامان دینی
(ده بزرگی، ۱۳۷۸: ۲۲)

تو آن فرمانده فتح المبینی
شهیدی تو شهید دشت عباس

و یا در جای دیگر می سراید:

برنده تر از تیغه الماسم من
آلاله سرخ دشت عباسم من
(همان: ۱۶)

آینه صفت اگر چه حساسم من
زد خون ترا بخواه تا جوش، نوشت

جعفر کریمی هم اشاره به رشادت ها و دلآوری های رزمندگان اسلام می کند که در جبهه های جنوب به نمایش می گذارند:

گفتم شعری بگویم به زلالی شجاعتت / که در دشت عباس به مزایده گذاشته بودی (۱۳۸۲: ۱۷۰).

۳. نتیجه گیری

پیروزی انقلاب اسلامی با ریخته شدن خون بسیاری از جوانان مسلمان به دست آمد؛ جوانانی که با ایثار جان‌های خویش، بار دیگر واژه شهادت را احیا و غبار کهنگی را از روی مفاهیم عمیقی که ایثار و فداکاری را با خود همراه داشت، زدودند. شهادت بار دیگر در فرهنگ ملت ایران معنا یافت و رزمندگان اسلام با الهام از خط سرخ عاشورا، آن را در میدان جهاد و مبارزه هشت سال دفاع مقدس تجربه کردند و در این مسیر حضرت سیدالشهدا - ابا عبدالمحسن (ع) - و در کنارش شخصیت حضرت را الگو و سرمشق خویش قرار دادند. نگاهی به یادگارهای هشت سال دفاع مقدس، خود مؤید تأثیرپذیری از فرهنگ عاشورا است. با نگاهی به تاریخچه ادبیات و اشعار فارسی می‌توان این‌طور استنباط کرد که بیش از ۶۰ درصد از منظومه‌ها و اشعار شعر فارسی از سده سوم تا زمان حال، شامل مقوله‌هایی از ادب آیینی و تأثیرپذیری مستقیم یا غیرمستقیم از فرهنگ اسلامی و به‌طور خاص، مضامین عاشورایی و امامت بوده است.

شعر امروز دفاع مقدس ترکیبی است از شعر و آیین؛ یعنی، هم شاخصه‌ها و ویژگی‌های ممتاز یک شعر را در آن می‌بینیم و هم از نظر جذابیت تأثیرگذاری و از نظر ساخت و بافت منسجم است. باید اشاره کرد وقتی صحبت از آیین می‌شود، یعنی باید نمادهای ارزشی و فرهنگی آیین که در اینجا به‌طور مشخص، عاشورا و حضرت ابوالفضل (ع) است، در آن باشد. طبیعی است شعرای ما و اشعار آنان به دلیل سابقه مذهبی و علایق و گذشته مشخصی که در زمینه کربلا و حماسه عاشورا دارند، با کسب پشتوانه‌هایی از درک درست تاریخی، ارزش‌ها و نگرش‌های مذهبی به شبیه‌سازی و تأثیرپذیری از این اشخاص بزرگ و بالاخص حضرت عباس (ع) پرداخته‌اند و قرابت معنایی و زمینه‌های مشترک در وقوع حادثه کربلا و دفاع مقدس باعث می‌شود که شعرا به آسانی و با فراخ‌بال بتوانند این مفاهیم را در اشعار خود استفاده کنند. رمز عملیات، نام یگان‌های عملیاتی، تشبیه شهدا و فرماندهان به حضرت عباس (ع) در سطح گسترده، نشانگر تأثیر مستقیم و بلاشک شخصیت ایشان بر رفتار و کردار رزمندگان در وهله نخست و پس از آن، به تأثیر بر شعرای دفاع مقدس و اشعار آنان را باعث شد.

شعرای دفاع مقدس با عنایت به این موضوع که جنگ بین حق و باطل جنگی همیشگی است، رزمندگان را به پیروی و تأثیرپذیری از حضرت عباس (ع) دعوت کرده و یا اعمال و رفتارهای آنان را به ایشان تشبیه کرده‌اند و این دو واقعه را در یک مسیر و یک امتداد دانسته‌اند و این دو واقعه تاریخی را به‌نوعی هم‌ارز دانسته‌اند. لازم به ذکر است تفکر شیعی و تربیت دینی رزمندگان و شعرا باعث شده است که چه رزمنده و چه شاعر، هر دو در اعمال و حرکات خود نگاهی مستقیم به شخصیت ایشان داشته باشند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت جریانات و اتفاقاتی که در روز عاشورا برای حضرت عباس (ع) اتفاق افتاده است، تبدیل به خمیرمایه شعر شاعران متعهد ما شده است و هر کدام از زاویه‌ای خاص به این حماسه بزرگ الهی نگریسته‌اند و درسی از آن دانشگاه و کلاس ایمان و عشق بر گرفته‌اند و برداشت‌های شاعرانه خویش را در قالب دل‌نشین‌ترین آثار (شعر) ریخته‌اند و اثری هنری را خلق کرده‌اند.

در نتیجه، می‌توان گفت که شاعران در اشعار خود تأکید دارند بر میراثی که حرکت ابوالفضل عباس (ع) با انقلاب خود در عاشورا برای بشریت، خصوصاً پیروان و تمامی پویندگان خط سرخش باقی گذاشته. شعر دفاع مقدس ترویج فرهنگ عزت‌طلبی، مقاومت و ایثار رزمندگان است که به‌طور مستقیم، بازگشت به مبانی حرکت و رفتار حضرت عباس (ع) در کربلا را تداعی می‌کند. به‌طور مثال، یکی از غنی‌ترین مایه‌های شعر دفاع مقدس در رابطه با حضرت عباس (ع) داستان قطع دستان ایشان و همچنین تشنه‌برگشتن ایشان از نهر علقمه می‌باشد و کمتر شاعری می‌توان یافت که از این مضامین استفاده

نکرده باشد. البته تلمیحات دیگری به سایر اتفاقات برای حضرت عباس (ع) رخ داده، چون امان‌نامه آوردن شمر برای ایشان، اجازه جنگ نداشتن ایشان، نوع شهادت و همچنین رجزخوانی ایشان در شعر دفاع مقدس وجود دارد. در پایان باید گفت: در اشعار دفاع مقدس می‌بینیم که شاعران با استفاده از صنعت تشبیه، رزمندگان را به حضرت عباس (ع) تشبیه می‌کنند و ویژگی‌هایی را که مختص این شخصیت است، در وجود رزمندگان متجلی می‌سازند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بی‌نام (۱۳۷۳). *حماسه قلاقیان (مجموعه اشعار سومین کنگره شعر دفاع مقدس)*. ایلام: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، مدیریت انتشارات و ادبیات.
۳. بی‌نام (۱۳۷۴). *هشت فصل عشق (مجموعه اشعار چهارمین کنگره شعر دفاع مقدس)*. ارومیه: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، مدیریت ادبیات و انتشارات.
۴. بی‌نام (۱۳۷۵). *خط سبز، یادگار سرخ (برگزیده اشعار جمعی از شاعران معاصر در زمینه دفاع مقدس و سرداران شهید استان اصفهان)*. اصفهان: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، مدیریت انتشارات و ادبیات.
۵. بی‌نام (۱۳۷۵). *شقایق‌های اروند (مجموعه اشعار ششمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس)*. آبادان: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، مدیریت ادبیات و انتشارات.
۶. بی‌نام (۱۳۷۵). *ناگهان‌های سرخ (مجموعه اشعار پنجمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس)*. آبادان: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، مدیریت انتشارات و ادبیات.
۷. بی‌نام (۱۳۷۷). *سفرنامه آسمان (مجموعه اشعار هشتمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس)*. اصفهان: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، مدیریت ادبیات و انتشارات.
۸. بی‌نام (۱۳۷۷). *هفتمین فصل غزل (مجموعه اشعار هفتمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس)*. اصفهان: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، مدیریت انتشارات و ادبیات.
۹. بی‌نام (۱۳۸۲). *میعاد دوازدهم (مجموعه اشعار برگزیده دوازدهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس)*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، معاونت ادبیات و انتشارات.
۱۰. بی‌نام (۱۳۸۵). *فقط همین (مجموعه شعر دفاع مقدس استان اصفهان)*. اصفهان: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، مدیریت انتشارات و ادبیات.

۱۱. اسرافیلی، ح. (۱۳۸۵). زخم سبب (مجموعه اشعار برگزیده پانزدهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس ارومیه). تهران: صریر.
۱۲. اصفهانی، ح.ع.ح. (۱۳۳۷). قصص الانبیا از آدم تا خاتم. تهران: کتابچی.
۱۳. باقری، آ. (۱۳۸۴). صهبای عشق. تهران: نسیم حیات؛ با همکاری قم: صریر.
۱۴. بی‌نام. (۱۳۷۱). این شرح بی‌نهایت. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۵. دریانورد، غ. (۱۳۸۵). ره‌آورد آورد (مجموعه شعر پایداری استان بوشهر). بوشهر: کنگره بزرگداشت سرداران و ۲۰۰۰ شهید استان بوشهر.
۱۶. دهبزرگی، ا. (۱۳۷۸). شروه و شقایق. شیراز: کنگره سرداران و ۱۴ هزار شهید استان فارس.
۱۷. ذبیحی، ذ. (۱۳۸۲). حماسه سبز (مجموعه شعر شاعران استان مازندران). تهران: عروج نور، با حمایت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۸. رستم‌پور، م.ر. (۱۳۸۵). هفت مرتبه باران (مجموعه شعر شاعران حوزه جنوبی استان ایلام). تهران: نقش آفرینان بابکان.
۱۹. زریان، ر. (۱۳۸۶). در صلاۀ باران (مجموعه اشعار دفاع مقدس استان گیلان). تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۲۰. سنگری، م.ر. (۱۳۸۵). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. ج ۲. تهران: پالیزان.
۲۱. _____ (۱۳۹۰). ادبیات دفاع مقدس. تهران: صریر.
۲۲. صدر محمدی، م. (۱۳۸۵). یادگار سبز (مجموعه شعر دفاع مقدس استان آذربایجان شرقی). تهران: صریر.
۲۳. صفی‌پوری شیرازی، ع.ع. (۱۳۹۳). منتهی الارب فی لغة العرب. ترجمه محمدحسن فوادیان و علیرضا حاجیان‌نژاد. تهران: دانشگاه تهران.
۲۴. عظیمی‌مهر، ا. و فرشاد فرصت صفایی (۱۳۸۶). خلسه در خون (مجموعه اشعار دفاع مقدس استان کرمانشاه). تهران: صریر.
۲۵. قزوه، ع.ر. (۱۳۸۴). روایت چهاردهم (مجموعه اشعار برگزیده چهارمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس). تهران: لوح زرین، صریر.
۲۶. محمدی‌پور، ف. (۱۳۸۶). کنار چشم خدا (مجموعه اشعار دفاع مقدس استان همدان). تهران: صریر.

۲۷. مکارمی‌نیا، ع. (۱۳۸۵). بررسی شعر دفاع مقدس. تهران: ترنند.
۲۸. بزرگ بیگدلی، س و مریم صادقی (۱۳۸۶). بازتاب شخصیت پیامبر(ص) در شعر معاصر فارسی. مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۹، ۲۷۹-۲۵۳.
۲۹. خانلو، ک. و دیگران (۱۳۹۴). تبلور عاشورا در اشعار شاعران دفاع مقدس. اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی. قم.
۳۰. خانلو، ک. و دیگران (۱۳۹۴). تبلور عاشورا در اشعار شاعران دفاع مقدس. همایش سراسری علمی پژوهشی شناخت اخلاق و آداب حسینی. شهرستان تایباد، شورای فرهنگی عمومی و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۹۴/۰۳/۰۳. نشانی: www.civilica.com/Paper-ANDISHEH01-ANDISHEH01_179.html
۳۱. نظری، ن. و صغری‌سادات جعفری‌نیا (۱۳۸۹). انعکاس عاشورا، یکی از خصیصه‌های شعر دفاع مقدس. مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۳(۷)، ۷۷-۶۱.
۳۲. یگانه، س. و مهین پناهی (۱۳۹۱). سیمای جانباز در غزل دفاع مقدس (تحلیل و بررسی شخصیت‌پردازی جانباز در غزل). ششمین همایش پژوهش‌های ادبی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۹۱/۱۰/۰۵. نشانی: www.civilica.com/Paper-LRC06-LRC06_098.html